یادداشت

عباس حاجی‌نجاری

حمایت‌های رهبری و برکات آن برای همه دولت‌های مستقر

ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران این فرصت را برای مسئولان و دولتمردان فراهم آورده تا مبتنی بر اصول و آرمان‌های انقلاب و ارزش‌های اسلامی بستر تحقق قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور را ایجاد کرده و اعتلای نظام و ترویج دین و اخلاق و در یک کلام اهداف بلند انقلاب اسلامی را تحقق بخشند.

مهم‌ترین شاخصه و وجه تمایز نظام جمهوری اسلامی با دیگر نظام‌های سیاسی معاصر، هدایت و رهبری جامعه اسلامی توسط فقیهی جامع‌الشرایط است که ارکان حکومت با تنفیذ او مشروعیت می‌یابند و با هدایت ایشان در چارچوب نظام مردمسالاری دینی ایفای نقش می‌کنند. رهبری انقلاب اسلامی چه در دوران حضرت امام (ره) و چه در دوران مقام معظم رهبری در طول ۳۵ سال گذشته مبتنی بر اصل یکصد و دهم قانون اساسی ضمن تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی، با حمایت و هدایت خود از دولت و دیگر خدمتگزاران نظام اسلامی تحقق آرمان‌ها و اهداف نظام را در قالب فرآیند پنجگانه تحقق این اهداف پی گرفته‌اند.

امام خامنه‌ای در بیستم مهرماه سال ۹۰ در جمع مردم کرمانشاه فرآیند پنج مرحله‌ای مذکور را اینگونه برشمرده و یادآور می‌شوند که مرحله اول «انقلاب اسلامی» و مرحله دوم «تشکیل نظام اسلامی» است و انقلاب اسلامی اکنون از این دو مرحله عبور کرده و در گام تشکیل دولت اسلامی است. معظم‌له در همان زمان مراحل چهارم و پنجم این فرآیند را «تشکیل کشور اسلامی» و «تشکیل دنیای اسلام» دانستند و وظایف و انتظاراتی را از مردم و کارگزاران مطرح و تأکید می‌کنند که ما اکنون در مرحله تشکیل دولت اسلامی هستیم و در مورد ویژگی‌های دولت اسلامی یادآور می‌شوند که دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومتگران و خدمتگزاران عمومی، اینها باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی و رابطه خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. اسم ما دولت اسلامی باشد کافی نیست. باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد، اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پویندهای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد دچار نکث می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد. اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی می‌شود.

نکته مهم این است که هدایت‌ها و رهنمودهای مقام معظم رهبری خطاب به دولتمردان در طول دوران‌ها و دولت‌های مختلف را باید فارغ از گرایش‌ها و تعلقات سیاسی دولتمردان یا دیگر خدمتگزاران دانست و این حمایت‌ها و انذارها معطوف به دولت خاصی نیست و در همه دولت‌ها متناسب با شرایط وجود داشته است.

معظم‌له در دیدار اخیر کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۶ در این زمینه می‌فرمایند، اولاً این را همه بدانند، بنده دولت را حمایت می‌کنم، من از همه توانی که در اختیارم هست استفاده خواهم کرد برای کمک به دولت، دولت را تأیید می‌کنم، حمایت می‌کنم مثل همه دولت‌های گذشته، نسبت به مسئولان بلندپایه دولت -آنهایی که می‌شناسم- اعتماد دارم، همه دولت‌هایی که بعد از انقلاب سر کار آمدند، دولت‌های منتخب مردمند و بنده در همه این دوره‌ها -آن وقتی که مسئولیت داشتم- از همه دولت‌ها حمایت کردم، همه دولت‌ها هم نقاط مثبت دارند [هم] نقاط منفی‌ای دارند، هیچ دولتی نیست که بگوید من همه نقاطم مثبت است، یا کسی بگوید همه نقاطش منفی است...

اما حمایت و انذارهای رهبری همواره پشتوانه‌ای برای دولتمردان بوده و است تا آنها بتوانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها در جهت تحقق اهداف نظام و حل مشکلات مردم تلاش کنند و در شرایطی که فشارها و تهدیدات دشمنان و به ویژه تلاش‌های آنها و برخی از مغرضان و معاندان داخلی معطوف بر دو قطبی‌سازی فضای جامعه و طرح حاکمیت دوگانه است نقشی اساسی در تقویت و تحکیم همبستگی ملی دارد.

در این میان طبیعی است که تأسی عملی و نه تنها کلامی دولتمردان و فعالان سیاسی به هدایت‌های رهبری علاوه بر همراستاسازی ظرفیت‌های درونی کشور برای مقابله با تهدیدات و رفع نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی کشور نقشی اساسی داشته و سبب تقویت روح امید در مردم و تحکیم پیوند دولت با مردم و فعالان سیاسی شده و ناامیدی دشمنان را در پیگیری اهداف و راهبردهای خود علیه نظام اسلامی به دنبال خواهد داشت. اکنون دولت یازدهم این فرصت را یافته است تا به پشتوانه اعتماد مردم و حمایت‌های رهبری توفیق خدمتگزاری در نظام اسلامی را بیابد و در این میان آنچه که اهمیت دارد عمل به تکلیف الهی و در چارچوب اصول و موازین قانون اساسی جمهوری اسلامی است و در این میان اگر چه مطالبات فعالان و گروه‌های سیاسی به عنوان بخشی از مطالبات مردمی قابل تعریف است ولی انصافاً نمی‌توان حاشیه‌سازی و تفاوت قول و عمل برخی دولتمردان را -اگر برای خوشامد آن فعالان و گروه‌های سیاسی است- در چارچوب آن حمایت‌ها و آن اعتماد ارزیابی کرد.

خبر آخر

نماینده تهران در مجلس:

امنیتی کردن پرونده کرسنت درست نیست

نماینده مردم تهران در مجلس به نقل از دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: آقای شمخانی به بنده گفته که ایران در پرونده کرسنت در دادگاه لاهه محکوم شده است.

به گزارش تسنیم، مسعود میرکاظمی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در حاشیه جلسه علنی دیروز مجلس در واکنش به اظهارات اخیر حجت‌الاسلام پورمحمدی پیرامون عدم صدور حکم دادگاه لاهه در پرونده کرسنت اظهار داشت: من پس از جلسه غیرعلنی هفته گذشته مجلس که آقای شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی برای ارائه گزارش به مجلس آمده بود، از ایشان پرسیدم و آقای شمخانی به بنده گفت که ایران در پرونده کرسنت محکوم شده است. وی ادامه داد: اگر ایران در دادگاه لاهه محکوم نشده است، اطلاعات آن را در اختیار مجلس قرار دهند چراکه تاکنون بحث محکومیت ایران به اطلاع نمایندگان رسیده است و مباحث دیگری مطرح نشده است. این نماینده مجلس در ادامه سخنان خود تصریح کرد: اگر ایران در پرونده کرسنت مطرح نشده است چرا برخی از مقامات دولتی سخن از اعتراض به حکم دادگاه را مطرح می‌کنند؟ بنابراین چنین اظهاراتی نشان می‌دهد که رویه واحدی وجود ندارد. میرکاظمی در پایان سخنان خود با تأکید بر حمایت از حقوق مردم گفت: مجلس از حقوق ملت ایران دفاع می‌کند و ما اجازه نمی‌دهیم که حقوق ایران خدشه‌دار شود. البته مسئولان باید اطلاعات صحیح را به اطلاع مجلس برسانند و اینکه موضوع را امنیتی کنند، کار درستی نیست.

اژه‌ای سخنگو می‌ماند

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای که اخیراً از سوی آیت‌الله آملی لاریجانی به عنوان معاون اول قوه قضائیه منصوب شده، همچنان سخنگوی دستگاه قضایی باقی می‌ماند.

حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای از ابتدای زمانی که مسئولیت سخنگویی قوه قضائیه را با حکم آیت‌الله آملی لاریجانی بر عهده گرفته تاکنون ۶۷ نشست خبری با خبرنگاران رسانه‌های گروهی برگزار کرده است. بر اساس این گزارش، حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای پیشتر نیز در حاشیه مراسم تودیع و معارفه مسئولان قضایی در جمع خبرنگاران در پاسخ به این سؤال که آیا همچنان سخنگوی قوه قضائیه خواهد ماند یا خیر، گفت: هنوز چیزی معلوم نیست و اطلاعی از این موضوع ندارم و در این زمینه رئیس قوه قضائیه تصمیم خواهد گرفت.

گزارش

محمد اسماعیلی

دیروز به ناطق متوسل شدند، امروز لاریجانی

بحران هویت تجدیدنظرطلبان با یارگیری از رقیب

«اختلاف افکنی در طیف رقیب» استراتژی که قدمت آن به قرن‌ها قبل باز می‌گردد و تنها کاربرد آن به نبردهای نظامی خلاصه نمی‌شد و امروز به فراخور پیشرفت دانش و تکنولوژی و پیچیده‌تر شدن تحولات سیاسی این ابزار کاربردهای دیگر هم پیدا کرده است اما تاریخ مصرف این استراتژی برای یک جریان سیاسی داخلی همچنان اعتبار گذشته را داشته و در شرایط فعلی مهم‌ترین برگ برنده آنها برای تصاحب مراکز عالی قدرت به شمار می‌آید.

صحبت از مهم‌ترین و تکراری‌ترین شگرد جریان رفرمیسم داخلی در طی ۱۷ سال اخیر برای پیروزی بر حریف و در دست گرفتن شریان‌های اصلی قدرت است که طی سه ماه اخیر شکل گویاتری به خود گرفته است.

قبل از پرداختن به جزئیات و لایه‌های طرح طیف تجدیدنظرطلب، باید به بیان نکاتی پرداخت که هشداری است برای نیروهای دلسوز و وفادار به انقلاب اسلامی و تلنگری است برای گروه‌هایی که بعد از گذشت پنج سال از شهرآشوب ۸۸ هنوز درک نکرده‌اند که حقیقتاً جماعتی در داخل با طراحی‌های پیچیده بدنبال براندازی نظام هستند، هنوز به این باور نرسیده‌اند که چنددستگی و تفرقه در طیف نیروهای انقلاب حکم جاده صاف کن را برای هواخواهان لیبرالیسم در داخل بازی می‌کند و می‌تواند آنها را به آرزوی دیرینه‌شان که همان «بازگشت رسمی به قدرت» است برساند.

■ بازی اصولگراها در زمین دوم خرداد

طی ۱۲ ماه گذشته «جوان» در قالب تحلیل‌های متفاوت عنوان کرد که «تشدید اختلافات بین فراکسیون اصولگرایان و رهروان ولایت در مجلس نهم» یکی از ترفندهای جریان دوم خرداد برای به چالش کشیدن رقیب و نزدیک شدن به قدرت رسمی است؛ موضوعی که به هیچ عنوان جدی گرفته نشد و امروز بعد از گذشت چند ماه از آن هشدارها جریان مقابل اصولگرایان از یک سو زمینه و تمهیدات «زدوخورد بین اصولگرایان» را فراهم ساخته و از سوی دیگری با «برجسته‌سازی این اختلافات» تلاش دارد آن را به گسلی غیر قابل ترمیم در جناح رقیب تبدیل کند.

مانور تبلیغاتی- رسانه‌ای روزهای اخیر روزنامه‌های زنجیره‌ای روی اختلافات علی لاریجانی با برخی از نمایندگان اصولگرا در مجلس در موضوعاتی مانند انتخاب عضو شورای نظارت بر سازمان صداوسیما و استیضاح وزیر علوم مصداق بارز گزاره فوق است؛ اختلافاتی که با عملیات روانی یک سال اخیر طیف تجدیدنظرطلب هر روز شکل تازه تری به خود گرفته و می‌رود تا نیروی محرکه‌ای شود برای پیشبرد نقشه‌های طیف دگراندیش در مقابله با انقلاب اسلامی.

■ بن‌بست سیاسی

عملکرد نامطلوب جریان دوم خرداد طی سال‌های گذشته - که بارزترین آن فتنه سال ۸۸ بود - باعث شد تا «مشروعیت سیاسی» و «مقبولیت اجتماعی» این جریان به شدت مورد تردید قرار گیرد و رهبران این جریان را وارد بحرانی عمیق سازد.

در کنار «اقدام رسمی برای براندازی نظام» مجموعه عوامل دیگری نظیر «رویگردانی افکار عمومی از چهره‌های منسوب به این جریان در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری»، «نبود چهره رأی‌آور برای غلبه بر نامزدهای طیف رقیب در آوردگاه‌های انتخاباتی»، «عبور از مبانی دینی و اصول اعتقادی در تریبون‌های عمومی» و «مجرمیت بسیاری از تئوریسین‌های وابسته به این جناح در طول سال‌های اخیر» ناخودآگاه چالش‌هایی را پیش روی پدرخوانده‌های دگراندیش قرار داد که امروز باید از آن به عنوان «بحران مطلق سیاسی» یاد کرد.

به عنوان نمونه ضعف و نبود چهره‌های رأی‌آور و مورد قبول مردم در انتخابات سال ۹۲ کار را به آنجایی کشاند که رهبران این طیف به اجبار نامزد اختصاصی‌شان را به نفع نامزد مستقل صحنه انتخابات - روحانی- کنار کشیده و در گام بعد از دولت منتخب سهم‌خواهی را کلید زده و در نهایت بتوانند برخی از مهره‌های تحت مدیریت خود را به برخی جایگاه‌های حساس و استراتژیک نفوذ دهند.

البته به مجموع این ضعف‌ها باید «ضعف تئوریک و گفتمان‌سازی» این جریان را هم اضافه کرد: ضعفی که چشم‌اندازی سراسر از یأس و ناامیدی را فراروی هواخواهان لیبرالیسم قرار داده است.

با توجه به آنچه ذکر شد، مانع بزرگ پیش روی جریان تجدیدنظرطلب نه از سمت و سوی نظام یا جناح مقابل بلکه از یک سو به واسطه کارنامه سیاه آنها در طی ۱۷ سال گذشته بوده و از سوی دیگر به رویگردانی جامعه‌ای بر می‌گردد که از توطئه‌های آنها به خوبی آگاهی پیدا کرده است.

■ ابزاری برای رهایی از بن بست

اما نکته اساسی آن است که یکی از راهکارهایی که می‌تواند تجدیدنظرطلبان را از بن‌بست سیاسی موجود رهایی بخشد «ایجاد دودستگی بین طیف رقیب» و در پوشش آن «یارگیری از رهبران رأی‌آور اصولگراها» است؛ شگردی که در گذشته هم بارها تکرار شده اما امروز با ابعاد تازه‌تری مواجه شده است.

هر چند که ماه‌ها قبل نسبت به یارکشی از درون اصولگراها توسط دوم خردادی‌ها هشدارهای دیگری بیان شده بود اما روز گذشته یکی از روزنامه‌های وابسته به این طیف با درج تیتر برجسته‌ای با عنوان «شکل‌گیری ائتلاف نانوشته اصلاح‌طلبان با لاریجانی؟» به صورت رسمی از استراتژی تجدیدنظرطلبان رونمایی کرد. در بخشی از این مطلب می‌خوانیم: «دست دوستی اصلاح‌طلبان به سمت لاریجانی دراز خواهد شد؟ آیا این دست به گرمی فشرده می‌شود یا اینکه با نگاهی و تکان سری فدای مصلحت خواهد شد؛ مصلحتی که گویا ظرف چندین سال افراد زیادی از دو طیف میانه‌رو و اصلاحات را کنار گذارده است. چند وقتی است که اصلاح‌طلبان در ائتلافی نانوشته با اصولگرایان میانه‌رو هستند؛ ائتلافی که نه در سال ۹۱ برای نیل به پیروزی در سال ۹۲ بلکه از سال‌هایی آغاز شد.»

در ادامه این مطلب به صراحت از بحران هویتی دگراندیشان اینگونه یاد می‌شود: «در عصر خاموش اصولگرایان میانه‌رو و اصلاح‌طلبان آنچه این دو جریان را به هم وصل کرد بزرگانی بودند که خود سال‌های سال از تندروی‌ها آسیب دیده و ضرر کرده بودند اما این ضرر متوجه آنها نبود بلکه نگرانی امثال آیت‌الله هاشمی، ناطق‌نوری و سیدمحمد خاتمی بیش از همه برای جلوگیری از برهم خوردن آرامش کشور بود.»

> **آن طور که رسانه‌های این جناح اصرار دارند یکی از نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری سال ۹۶ هم علی لاریجانی بوده و در شرایطی که شورای نگهبان اجازه ورود به نامزدهای منسوب به فتنه‌گران را نخواهد داد علی لاریجانی بهترین گزینه می‌تواند باشد آن هم در شرایطی که آنها تجربه مصادره به مطلوب آرای روحانی و سپس سهم خواهی از وی را داشته و تصور می‌کنند حداقل می‌توانند با لاریجانی هم اینگونه برخورد کنند**

■ ابعاد استراتژی

یارگیری دوم خرداد از رقیب دیرینه شان هر چند که در نگاه اول با هدف به تفرقه کشاندن طیف رقیب صورت می‌گیرد اما دقیق شدن در این طراحی می‌تواند ابعاد پنهانی آن را هم آشکار سازد.

۱- هواخواهان لیبرالیسم در داخل با توجه به آنکه رهبران طیف متبوع شان از فقدان ویژگی‌هایی نظیر «توان انسجام بخشی به بدنه جناح دوم خرداد»، «داشتن استطاعت برای ایجاد همگرایی در بین گروه‌های منسوب به این دسته» و «تزریق روحیه امید و خودباوری در رأس و بدنه» رنج می‌برند به دنبال آن بوده تا پس از سال ۸۴ با رویگردانی از افرادی نظیر خاتمی، موسوی خوئینی ها، عبدالله نوری به سمت هاشمی رفسنجانی روی‌آورده تا هم ضعف رهبری خود را جبران کنند و هم با توجه به ویژگی‌های خاص شخصیتی هاشمی بتوانند بخشی از اهداف خود را به وسیله وی پیش ببرند.

۲- تئوریسین‌های این جناح به خوبی آگاهند که خوردن «برچسب براندازی» بر پیشانی مهره‌های اصلی این جریان و همچنین «نبود توان رأی آوری» در بین وابستگان که بخشی از بحران کنونی را به‌وجود آورده است می‌تواند شکست دیگری در انتخابات آتی را به این طیف تحمیل کرده و پایانی باشد برای حیات سیاسی آنها.

برهمین اساس لازم است شخصیت‌های جایگزینی که عملکرد و مواضع آنها طی سال‌های اخیر بخشی از اهداف دگراندیشان را پوشش داده است مورد حمایت قرار داده و از هم‌اکنون تبلیغات رسانه‌ای خود را برای رأی آوری آنها در انتخابات پیش رو متمرکز کنند.

آنها معتقدند که اکثر نامزدهای مورد حمایت آنها در انتخابات دهم مجلس رد صلاحیت شده و به همین دلیل علی لاریجانی و افراد وابسته به وی می‌توانند اولویت‌های این جناح را در مجلس آتی- درصورتی که نتوانند کرسی‌های قابل توجهی را تصاحب کنند- پیش ببرد.

البته آن طور که رسانه‌های این جناح اصرار دارند یکی از نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری سال ۹۶ هم علی لاریجانی بوده و در شرایطی که شورای نگهبان اجازه ورود به نامزدهای منسوب به فتنه‌گران را نخواهد داد علی لاریجانی بهترین گزینه می‌تواند باشد آن هم در شرایطی که آنها تجربه مصادره به مطلوب آرای روحانی و سپس سهم خواهی از وی را داشته و تصور می‌کنند حداقل می‌توانند با لاریجانی هم اینگونه برخورد کنند.

اما موضوعی که همچنان ذهن دلسوزان انقلاب را به خود مشغول ساخته این است که چرا افرادی با سابقه مطلوب در انقلاب باید به گونه‌ای عمل کنند که جناح تجدیدنظرطلب با این جملات مبالغه آمیز از آنها حمایت کند و پیشبرد راهبرد استحاله خود را مرهون تلاش‌های آینده آنها بدانند؟

چطور نباید نگران بود در شرایطی که وحدت و همگرایی طیف نزدیک به گفتمان انقلاب اسلامی لازمه مقابله با توطئه جریان غائله آفرین است افرادی از دل جریان اصولگرایی با بازی در زمین آنها هم ذهن وفاداران به انقلاب را مشغول ساخته و هم مقدمات بازگشت غوغاسالاران را به حاکمیت پیاده‌سازی می‌کنند؟

نگاه

رحیم‌پور ازغدی: در دموکراسی و حقوق بشر طلبکاریم نه بدهکار

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بر ضرورت دفاع غیرمنفعلانه از ارزش‌های اسلامی تأکید کرد و گفت: ما باید در حوزه دموکراسی و حقوق بشر طلبکار باشیم، نه اینکه غربی‌ها از ما طلبکار باشند.

به گزارش فارس، حسن رحیم پورازغدی دیروز در نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال انقلاب اسلامی، با اشاره به اینکه ما به همان قدر که در عرصه فضای مجازی ضربه‌پذیر هستیم باید ضربه‌زن نیز باشیم گفت: ما باید خود را هر چه سریع‌تر به چیزی که امروز کامپیولوکیشن یا ترتیب رایانه و ارتباط از راه دور نامیده می‌شود برسانیم. وی افزود: رقبای ما قبل از ما شروع به آموزش و هژمونی‌سازی در عرصه رسانه کرده‌اند و روی آن نیز کارهای فراوانی انجام شده است. هدف ما باید این باشد که همه مؤلفه‌های مورد علاقه یا کم و بیش مورد پسند مخاطب خود را در ذیل اصل هژمونی خود قرار دهیم. این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: ما باید در این اقیانوس عظیم ارتباطات و اطلاعات با شناسایی مخاطب و سلیقه آن خود را به ثبت جهانی برسانیم.

رحیم‌پور ازغدی با اشاره به روال کار غربی‌ها در عرصه فضای مجازی گفت: آنها کاری می‌کنند که شما بدون اینکه احساس کنید در حال خفه شدن هستید به این نقطه برسید یعنی شما متوجه نیستید اما در واقع در حال شست‌وشوی مغزی هستید تا آنچه منافع آنها فراهم می‌کند اجرا کنید که به این کار مدیریت ذهن می‌گویند و به این تأسیس سحر و هم اکنون به آن کاریزما

می‌گویند. وی افزود: رقبای ما وسایل، تجهیزات و علم و تخصصی بیشتری نسبت به ما دارند چون قبل از ما به آن رسیده‌اند اما ما نیز در برخی رشته‌ها عضو چهار کشور برتر جهانیم و می‌توانیم هژمونی سرمایه‌داری و لیبرالیسم را در جهان از بین ببریم. این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: نخبگان، صنعت و ابزار تولید در اختیار آنهاست و آنها متأسفانه منافع خود را به جهان تحمیل می‌کنند آنها با این وسایل افکار عمومی را شکل می‌دهند و واقعیت را به صورتی که خود می‌خواهند به صدا، تصویر و خبر تبدیل می‌کنند. آنها وقتی اتفاقات را به میل خود سانسور می‌کنند چیزی را که به نفع خودشان است ارائه می‌کنند. وی با تقسیم‌بندی سانسور در جهان گفت: ما دو جهان داریم جهان واقعی و جهان رسانه هر چه جهان رسانه به واقعیت نزدیک‌تر باشد قابل اعتمادتر است اما هر چه از واقعیت دورتر باشد دیگر به اعتبار آن نمی‌توان اطمینان داشت.

این عضو شورای انقلاب فرهنگی با اشاره به اینکه رسانه‌های دیجیتال هم فرصت است و هم تهدید گفت: امروز آنها هر چه می‌خواهند را تبدیل به عرف و سبک زندگی بکنند از طریق رسانه وارد عمل می‌شود و کار را با عقاید خود شکل می‌دهند. عده‌ای فکر می‌کنند که هرگونه سرگرمی تنها یک شوخی است و غفلت است در حالی که در کنار اینها بحث ایدئولوژی هم مطرح است. پیامبر گرامی اسلام هم رفاقت، بازی، شادی و سرگرمی را قبول داشتند. وی ادامه داد: ما با دفاع منفعلانه از ارزش‌های اسلامی به جایی نمی‌رسیم. رحیم‌پور ازغدی گفت: ما در مسائل زنان، حقوق بشر و دموکراسی باید بستانکار باشیم نه بدهکار. ما یک تولیت مسائل برای سبک زندگی می‌خواهیم که نه به معنای ترک لذت باشد و نه به معنای این باشد که به لذت اصالت دهد. وی در ادامه با اشاره به اینکه باید از کلیشه دوقطبی سنت و مدرنیته فاصله گرفت، گفت: این دوقطبی باعث انحرافات بسیاری شده است و نه باید به تمام مسائل مدرن حمله کور کرد و نه باید مقابل آن منفعل بود. وی در پایان با اشاره به اینکه باید در حوزه رسانه‌های دیجیتال خودتان را باور کنید تا دیگران شما را باور کنند گفت: امام خمینی (ره) هم اگر می‌خواست منتظر تعارف شرق و غرب باشد کاری انجام نمی‌شد ما باید در عرصه رسانه‌های دیجیتال دست به دست هم دهیم و به جلو برویم.

گزیده خبر

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس:

بورسیه‌های غیرقانونی شانتاژ رسانه‌ای است

اگر وزارت علوم نسبت به مقابله جدی با تخلف ادعایی در خصوص بورسیه‌های غیرقانونی اقدام نکند، قطعاً از دولت سؤال خواهیم کرد.

سیدحسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با «نسیم» در خصوص روند بررسی قانونی بورسیه‌ها اظهار داشت: طرح موضوع بورسیه‌های غیرقانونی یک موضوع انحرافی برای تحت‌الشعاع قرار دادن استیضاح بود؛ هیچکس در مجلس موافق بورسیه‌های غیرقانونی نیست و همه نمایندگان با جذب بورسیه غیرقانونی قطعاً مخالف هستند و از روزی که این موضوع مطرح شده نمایندگان صراحتاً اعلام کردند که با هر کسی که غیر قانونی بورسیه شده است باید برخورد شود.

وی در ادامه تأکید کرد: وزارت علوم به جای اقدام برای جلوگیری از تخلفی که ادعا می‌شود، شانتاژ می‌کند؛ یک روز لیست می‌دهند، روز بعد آن لیست را تکذیب می‌کنند، یک روز می‌گویند کمیته تشکیل می‌دهیم و فقط جوسازی در این زمینه صورت می‌گیرد. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در پایان خاطرنشان کرد: در آینده نزدیک اگر ببینیم که وزارت علوم نسبت به مقابله جدی با این تخلف اقدام نکند، قطعاً از دولت سؤال خواهیم کرد و ما مدعی چنین تخلفاتی هستیم و اگر این تخلفات صورت گرفته، مسئولیت عدم برخورد با آن برعهده دولت است.

سیاست‌های تجهیز اصحاب فتنه خط قرمز نمایندگان است

منتخبین ملت نمی‌خواهند مرتبطان فتنه در بزنگاه‌های نظام ولایی جمهوری اسلامی سر کار بیایند، بنابراین دولت باید مراقبت کند.

اسدالله بادامچیان قائم مقام حزب موتلفه اسلامی در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران با اشاره به استیضاح وزیرعلوم از سوی نمایندگان مجلس و حاشیه‌هایی که داشت اظهار داشت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی جریان‌هایی تلاش دارند در جهت تقابل دولت و مجلس یا میان دولت و جریان‌های سیاسی قرار بگیرند که مسئله صحیحی نیست. بادامچیان با بیان اینکه استیضاح حق قانونی نمایندگان ملت است، افزود: وزیر معرفی شده از سوی رئیس‌جمهوری با رأی منتخب نمایندگان ملت انتخاب می‌شود که این یک وظیفه قانونی است. نظارت بر عملکرد وزرا هم بر اساس همین وظیفه انجام می‌شود و نمایندگان نباید کوتاهی کنند.

بادامچیان درباره شایستگی‌های وزیر آینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گفت: ما چهره‌های علمی، معتبر، قوی و پرسابقه در میان نمایندگان و وزرای سابق بسیار داریم، دولت یازدهم بایستی وزیری انتخاب کند که رابطه دولت و مجلس را کاملاً تقویت کند.

بادامچیان تصریح کرد: نمایندگان ملت با وزیر سابق علوم اختلاف شخصی نداشتند، اما اگر دولت کسی را معرفی کند که سیاست‌های تجهیز اصحاب فتنه دنبال شود نمایندگان به آن اعتماد نخواهد کرد. وی خاطرنشان کرد: معرفی وزیری که سیاست‌های گذشته وزارت علوم را ادامه دهد منجر به عدم اعتماد خواهد شد و این دولت را تضعیف می‌کند البته که استیضاح یک وزیر تضعیف دولت نیست، اما ادامه دادن همان سیاست‌ها موجب ضرر و آسیب به دولت است.

برداشت

توبه‌نامه تلویحی بهزاد نبوی

به تازگی بهزاد نبوی از عناصر اصلی سازمان مجاهدین انقلاب و فعال در فتنه ۸۸ که چندی پیش از زندان آزاد شد، در نامه‌ای به مسئولان نظام اذعان کرده که اپوزیسیون نیست و قصد براندازی نظام را ندارد.

گرچه از جزئیات این نامه اطلاع دقیقی در دست نیست، اما آنگونه که سایت جهان نوشته، کلیت آن شامل این بحث است که ما اپوزیسیون نظام نیستیم و داخل نظام هستیم و قصد براندازی نظام را نداریم.

نبوی نامه خود را از طریق هاشمی رفسنجانی به مسئولان رسانده است. گفتنی است، چندی پیش یکی از فعالان فتنه ۸۸، بعد از آزادی از زندان در دیدار با اعضای شورای مرکزی یک حزب منحله گفته بود: ما از نداشتن پایگاه اجتماعی رنج می‌بریم. شما نماز جمعه هاشمی را جزو مانورهای اصلاح‌طلبی می‌دانید اما وقتی من تصاویر افراد حاضر در آن را دیدم که با کفش نماز می‌خواندند، یاد نماز خواندن‌های اطرافیان بنی‌صدر در ۱۴ اسفند افتادم که با پوتین نماز می‌خواندند. این فعال فتنه با تأکید بر شکست هر جریان سیاسی بدون پشتوانه مردمی افزود: ما به دنبال بهایی‌ها راه افتادیم چون ضعیف بودیم، چون پایگاه مردمی نداشتیم. من وقتی از زندان آزاد شدم برای دیدن من دراویش را آوردند. با این پایگاه اجتماعی ما را به هر بهانه‌ای می‌توانند جمع کنند و مثل سال ۸۸ در یک شب به اوین بفرستند و آب هم از آب تکان نمی‌خورد، چراکه ما را با دختران کشف حجاب کرده، دراویش، بهائیان، آشوبگران، ولنگاران، هرمیداس باوند، نمازخوانان کفش در پا و این طیف‌های بی‌پشتوانه می‌شناسند. وی در پایان تأکید کرده بود: ما مشکل هویتی پیدا کرده‌ایم. هر فرد و جریان بی‌ریشه و بوته‌ای که لباس اپوزیسیون پوشید از او حمایت کردیم.

محکوم فتنه مشاور هاشمی رفسنجانی شد!

در حالی که یکی دو ماه از زمان انتصاب جنجالی و حاشیه‌ساز عبدالحسین هراتی، فرد هتاک به امام خمینی(ره) و نظام و انقلاب اسلامی در دانشگاه آزاد که با وساطت و پیگیری دفتر هاشمی رفسنجانی صورت گرفته بود، نمی‌گذرد، وی در حکمی اعلام کرد که فؤاد صادقی را به عنوان مشاور رسانه‌ای و فرهنگی خود انتخاب کرده است.

هاشمی رفسنجانی در ماجرای عبدالحسین هراتی و پس از سؤال اعتراض گونه محمدحسین صفارهرندی از وی درباره نسبت رئیس مجمع با این فرد هتاک به حضرت امام خمینی(ره)، گفته بود: «ایشان(هراتی) در دوران ریاست‌جمهوری بنده بدون هیچ سابقه سوء مدتی در اواخر دوره با معاونت اجرایی ریاست‌جمهوری همکاری انتشاراتی داشت که البته بنده هم حکم نداده بودم. بعد از پایان آن دوره وی منفصل شد و مدت‌ها از وی بی‌خبر بودیم تا اینکه اخیراً با مراجعه به رئیس دفتر این جانب و اعلام آمادگی برای همکاری و خدمت به نظام، بدون اطلاع از سوابق چند سال گذشته ایشان، در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به کار شد که بلافاصله پس از افشای مقاله هتّاکانه، از مسئولیت چندروزه خود عزل شد و در دفتر هم من حکم نداده بودم و مشاور بنده هم نبود و در دفتر بنده هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد.»

با این حال، روز دوشنبه هاشمی رفسنجانی، فؤاد صادقی را به عنوان مشاور رسانه‌ای و فرهنگی خود برگزیده است؛ انتصابی که احتمالاً بار دیگر برای رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام حاشیه‌ساز خواهد شد. فؤاد صادقی از جمله افرادی است که در فتنه ۸۸ بازداشت شد. وی مدیریت سایت‌هایی همچون آینده و بازتاب‌امروز را برعهده داشته است. سایت آینده از جمله سایت‌های بسیار فعال در راستای انتشار مواضع فتنه‌گران در سال ۸۸ بود و حتی در مسئله‌ای همچون ترور شهید علی‌محمدی توسط صهیونیست‌ها، با انتشار نامه‌ای که نام شهید علی‌محمدی پیش از انتخابات در ذیل آن به عنوان حمایت از یکی از کاندیداهای انتخابات ۸۸ درج شده بود، این ترور را نیز به جمهوری اسلامی نسبت داد!